

**پس از انتخاب محتوای مناسب، مأموریت والدین به اتمام نرسیده  
در زمان نمایش محتوای تصویری، مخصوصاً در اولین مواجهه  
در کنار کودک بودن باعث می شود متوجه  
بازخوردهای لحظه ای او نسبت به آنچه می بیند، باشید**



## چند ملاحظه مهم والدین برای تلویزیون دیدن فرزندانشان

# آداب تماشا

### ۱ مغز را فعال کنید!

مغز در زمان تماشای تلویزیون در منفعل ترین حالت ممکن خود قرار دارد، هر لحظه تماشای تلویزیون یا محتوای تصویری، مادر حال دریافت یک پیام هستیم و این پیام ها در مغز ما خاطراتی را می سازند، تصور کنید مردی / زنی با کوله باری از خاطره و تجربه از دنیای واقعی نیستید، مانند دیدن طبیعت و حیوانات، لمس پوست های یک درخت یا بوی خاک باران زده، یا خاطره بازی با دوستان در زمین بازی، کشمکش یا دعوا، طرد شدن از سمت دوستان یا حتی تجربه قلدری کردن یا زور شنیدن از همسالان و هزاران تجربه دیگری که امروز شما را ساخته، فکر کنید که این تجربیات را ندارید و آنگاه در مقابل تلویزیون نشستاید، با دریافت هر پیامی، خاطره ای در مغز شما ایجاد می شود، یک گوی اصلی از خاطرات مانند همان گوی هایی که در سریالی انیمیشن Inside Out ایجاد می شد و این خاطرات می تواند ریشه رفتارها و تصمیمات شما باشد؛ خاطراتی که باید بپذیریم واقعی نیستند، ما آنها را تجربه نکرده ایم، در دنیای واقعی با آنها مواجه نشده ایم، لمس و حس شان نکرده ایم و در مسیر انتخاب آنها نقشی نداشته ایم.



در این روزهای پر از کرونا کودکان و خانواده هایشان ماه ها است به شکل نسبی در قرنطینه قرار دارند و می شود ادعا کرد حدود ۹ ماهی است بچه ها اکثر ساعات روزشان را در خانه سپری می کنند. در چنین شرایطی و همان طور که پیش از این گفته شد، تلویزیون نقش پررنگ تری برای بچه ها و والدین شان پیدا می کند. با توجه به این شرایط و چینهش محتوایی شبکه هایی مثل پویا و نهال و... خانواده خیالشان از عدم پخش محتوای نامناسب راحت شده و می دانند که رسانه ملی با خط قرمزهای تربیتی و فرهنگی خاصی محتوا را برای فرزندشان به نمایش می گذارد. اما با این حال ممکن است کودکان به شکل ناگهانی مخاطب محتوایی شوند که مخصوص آنها نیست یا به شکل بلند مدت محو محتوایی تصویری شوند و به ذهنشان آسیب برسد.

در این گزارش به سراغ نکاتی رفتیم که رعایت آنها باعث می شود کودکان از محتوا و میزان مشاهده تلویزیون آسیب نبینند.

زهرا صالحی نیا  
پژوهشگر

### ۲ در دنیای خیال ساعت چند است؟

۱۶ الی ۱۸ سالگی مسئولیت کامل حفظ امنیت و سلامت کودک را بر عهده دارند، انتقال این مدل از نگرانی ها و تهدیدهای امنیتی و حریمی، بیشتر از آن که برای کودک تجربه زیست حقیقی به همراه داشته باشد، نگرانی و اضطراب و تصویر نایمن نسبت به دنیا را برای او خواهد داشت.

برای سنین بالای ۹ سال، واقعیت پررنگ تر می شود، کودک درک می کند که آنچه در فیلم و انیمیشن می بیند ساخته و پرداخته شده اما این تصور که این اتفاقات و وقایع زمانی، برای کسی ممکن است افتاده باشد، او را ناراحت، خوشحال و نگران می کند، مانند هر بزرگسالی در مواجهه با محتوای تصویری متفاوت، در کودکان نیز احساساتی برانگیخته می شود؛ تفاوت اینجاست که یک بزرگسال، در حالتی که به بلوغ و رشد روحی مناسب رسیده باشد، می تواند برانگیختگی احساسات خود را مدیریت و درک کند. علاوه بر این که پیام های دریافتی خود از محیط و رسانه را بررسی و تحلیل کرده و با نظام ارزشی خود تطبیق دهد اما در کودک این قدرت ضعیف تر است. کودکان در تجربه احساسات گوناگون کم تجربه هستند و علاوه بر آن، هنوز مهارت کافی برای مدیریت احساسات خود را ندارند؛ گرچه باید مهارت مدیریت و درک احساسات خود و دیگران را در این سال ها فراگیرند اما انتظار حرفه ای بودن را نباید داشته باشیم. کودکان با نگاه پاک و صادقانه خود به تمام دنیا، همه را راستگو می دانند و سخت است بپذیرند واقعاً پیری که در تبلیغ می گویند بهترین پند دنیا نیست یا تمام خانه ها حیاط ندارد، همه مامان ها و باباها یک شکل نیستند و مثال های متعددی از این دست.

و جنسیتی، ارزش های غیراصیل انسانی و اخلاقی ممکن است در همین سن در دیدگاه کودک تأثیر بگذارد.

گرچه پس از شش سال کودک کمی متوجه تفاوت واقعیت و تخیل در انیمیشن و فیلم ها می شود اما هنوز هم گاهی دچار سردرگمی می شود. برای کودکان تا ۹ سال مراقبت در مقابل محتوایی مانند اخبار و تبلیغات نیز ضروری است. ذهن کودک در حال تجسم و بعد تعمیم اتفاقات و تجربیاتی است که در تبلیغات و خبرها با آن مواجه می شود، وقتی از جنگ سخت گفته می شود، کودک زیر شش سال متوجه مسافت یا تفاوت کشورها نیست، او تصور می کند همین حالا، همین جا، ممکن است اتفاق ناخوشایندی بیفتد و امنیتش را از بین ببرد.

در کتاب اصول کارکرد مغز در کودکان انتشارات صابری به این مسأله اشاره کرده که مهم ترین وظیفه مغز حفظ امنیت است و ریشه بیشتر مشکلات کودکان و بزرگسالان خدشه دار کردن امنیت و حریم آنهاست. کودک باید همواره مطمئن باشد که در امنیت و سلامت در کنار والدین خود خواهد بود. این مسأله برای کودکان شش تا ۹ سال نیز ممکن است، گرچه آنها کمی بیشتر نسبت به واقعیت دنیا درک پیدا کرده اند، اما مسأله امنیت در اینجا هم مطرح است، کودک ممکن است متوجه شود که در حال حاضر جنگ یا خطری در نزدیکی او نیست اما چه کسی تضمین می دهد که این امنیت پایدار باشد؟! امنیت

درست است که برای بزرگسالان نیز این نگرانی همواره وجود دارد اما روان کودک متفاوت از یک فرد بالغ است، والدین تا سن

کودک تا شش سالگی میان تخیل و واقعیت را نمی تواند تمیز دهد، آنچه می بیند را واقعی تصور می کند، روابط و اتفاقاتی که در انیمیشن یا فیلم ها در این دوره سنی می بیند همگی برایش مانند زندگی واقعی است و خاطره و حس حقیقی ایجاد می کند. روابطی که در فیلم و انیمیشن تصویر می شود را روابط واقعی می پندارد و اگر اتفاقی برای شخصیت انیمیشن بیفتد، آسیب ببیند، بترسد یا وسیله یا شخصی را از دست بدهد، کودک این طور برداشت می کند که به صورت واقعی این اتفاقات افتاده و ذهن کودک، اتفاقاتی که افتاده را نیز شبیه سازی می کند. ممکن است ناگهان از شبیح، غول برفی و هیولای در کمد بترسد، در حالی که تجربه مواجهه با اینها را نداشته یا اضطراب جدایی بگیرد چون والدین کودک در آن انیمیشن حضور نداشتند یا او را تنها می گذاشتند.

در تصور کودک، خانواده خوشبخت در تبلیغات واقعا خانواده هستند؛ مادر خانواده واقعا به فرزندش اجازه می دهد تمام شیشه سس را در بشقابش خالی کند یا بعضی بابا، مامان ها و بچه ها، حیوانات هستند و می توانند حرف بزنند و لباس بپوشند.

می تواند با بررسی مدل بازی، شخصیت پردازی، دوست تخیلی فرزندتان به میزان تأثیری که انیمیشن و فیلم ها روی او دارد، پی ببرید. گاهی حتی به نظر می آید کودک دنیای اطراف را با عینکی تخیلی مانند دنیای انیمیشن محبوبش می بیند.

مراقبت از ورودی های این سن به این جهت است که کودک آنچه می بیند را واقعیت فرض کرده و به عنوان خاطره و دیدگاه خود حفظ می کند. انواع تفکرات قالبی و کلیشه ای، تبعیض های نژادی